

شرحی بر کتاب آیون

کاوشی در خویش: آیونِ کارل گوستاو یونگ



درباره کتاب

به حقیقت می‌توان گفت که آیون، بخش کاملاً جدیدی از دانش بشری، یعنی نظم پژوهشی دقیقی را پی افکند که می‌توان آن را تاریخ روان آرکتایپی نامید. کاریست درون‌بینی‌های روان‌شناسی اعماق درمورد داده‌های تاریخ فرهنگ، اساس این نظم جدید را تشکیل می‌دهد. این فرایند تاریخی را اکنون می‌توان همچون خودافشایی آرکتایپی‌های ضمیر ناخودآگاه جمعی، در همان حال که از طریق اقدامات و فانتزی‌های بشریت در ظرف زمان و مکان ظاهر و متحول می‌شوند، مورد نظر قرار داد.

یونگ در آیون آرکتایپ تصویر ذهنی خدا، خویش، را به‌عنوان موضوع پژوهش خود برگزید و نشان داد که این تصویر ذهنی چگونه خود را در طول دوره آیون مسیحیت به تدریج بازنموده است. کتاب آیون اثر حیرتانگیزی است که فهم آن کوشش زیادی را از جانب خواننده می‌طلبد. کتاب حاضر کوششی است برای اینکه این مشکل را تخفیف دهد و آیون را دسترس‌پذیرتر کند

درباره نویسنده

ادوارد اف. ادینجر (۱۹۹۸ - ۱۹۲۲) روان‌کاو آمریکایی و پیرو مکتب روان‌شناسی یونگ، در دانشگاه ایندیانا و دانشکده پزشکی دانشگاه ییل تحصیل کرد و در سال ۱۹۴۶ فارغ‌التحصیل شد. ادینجر سرپرست سابق بخش بیماران روانی در بیمارستان ایالتی راکلند، از اعضای بنیان‌گذار بنیاد یونگ در نیویورک و رئیس سابق مرکز آموزشی یونگ در نیویورک بوده است. ادینجر نویسنده کتب متعددی درباره روان‌شناسی یونگی است که از جمله می‌توان از تشریح روان، نمادپردازی کیمیای در روان‌درمانی؛ روان زنده، تحلیلی روانی در تصاویر و ایگو و آرکتایپ نام برد.

درباره مترجم

مهدی سررشته‌داری، متولد سال ۱۳۲۷، تهران، در سال ۱۳۴۵ از دبیرستان البرز فارغ‌التحصیل شد. دانشگاه پهلوی شیراز (پزشکی)، دانشگاه ملی (علوم سیاسی) و مدرسه عالی شهر کلن (روان‌شناسی تعلیم‌وتربیت) از جمله مراکز دانشگاهی محل تحصیل مهدی سررشته‌داری بوده است.



از مهدی سررشته‌داری، کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های روان‌شناسی، فلسفه و عرفان، ادبیات معاصر و کهن، اسطوره و آثار یونگ منتشر شده است. برخی

کتاب‌های منتشره ایشان به شرح زیر است:

طریق صوفیانه عشق؛ آفرینش، وجود و زمان؛ اینگرام؛ شور عشق، رنج هجران؛ تعبیر قصه‌های پریان و آنیما و آنیموس در قصه‌های پریان؛ که عشق آسان نمود اول؛ چهار مقاله یونگی؛ امور و ساینکی؛ فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم روان‌شناسی یونگی؛ تیپ‌شناسی یونگی؛ تشریح روان؛ کیمیگری؛ آنیما و آنیموس؛ تا ابد جوان؛ ایگو و آرکتایپ و درآمدی بر روان‌شناسی یونگ و همین کتاب نام برد.

کتاب‌های صوتی تخت پولاد، بوف کور، سگ ولگرد، هشت کتاب و چرندوپرند با صدای مهدی سررشته‌داری در آمریکا منتشر شده است.

مهدی سررشته‌داری از سال ۱۳۶۴ مقیم آمریکاست و به‌جز فعالیت حرفه‌ای در امر پژوهش، تألیف و ترجمه به تدریس در موضوعات مربوطه نیز اشتغال دارد.

شرحی بر کتاب آیون

کاوشی در خویش: آیونِ کارل گوستاو یونگ

ادوارد اِف. اِدینجر

ترجمهٔ مهدی سر رشته داری



ادینجر، ادوارد اف. ۱۹۲۲-۱۹۹۸ م. F. Edinger, Edward.
شرحی بر کتاب آیون، کاوشی در خویش: آیون کارل گوستاو یونگ/ ادوارد اف. ادینجر. ترجمه مهدی
سررشته‌داری، ویراستار انگلیسی: دیورا ا. وِشلی. ویراستار فارسی: مهدی سجودی مقدم.
تهران: مهراندیش، ۱۴۰۴.

ص. ۳۰۰

۹-۲۵-۸۱۵۸-۶۲۲-۹۷۸

BF۱۷۵/۵

۱۵۵/۲

۹۶۵۳۱۲۳



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای
ویرگولِ نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندنِ درستِ
متنِ فارسی را نیز برطرف می‌کند.



شرحی بر کتاب آیون

کاوشی در خویش: آیون کارل گوستاو یونگ

- ادوارد اف. ادینجر.
- ترجمه مهدی سررشته‌داری.
- ویراستار انگلیسی: دیورا ا. وِشلی. ویراستار فارسی: مهدی سجودی مقدم.
- مدیر هنری: پیمانہ صفائی تهرانی.
- آماده‌سازی و نظارت فنی: مهراندیش.
- چاپ: اول، تهران، ۱۴۰۴. چاپ: قشقای.
- ۵۰۰ نسخه. شماره نشر: ۳۹۹.
- شابک: ۹-۲۵-۸۱۵۸-۶۲۲-۹۷۸.
- قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به‌صورت کامل و یا بخشی از
آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب
پیگرد قانونی است

انتشارات مهراندیش

خیابان فلسطین شمالی، بعد از خیابان بزرگمهر، نرسیده به خیابان انقلاب،
کدپستی: ۱۴۱۶۹۳۴۱۱۳. واحد یک.
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵. همراه: ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲



www.mehrandishbooks.com

mehrandish@yahoo.com

f mehrandishnashr

me@mehrandishbooks

@mehrandishbooks

فهرست

پیشگفتار	۱۷
۱. مقدمه	۲۳
۲. پیشگفتار یونگ بر کتاب آیون	۳۰
۳. پاراگراف‌های ۱-۱۲	۳۵
۴. پاراگراف‌های ۱۳-۴۲	۴۲
۵. پاراگراف‌های ۴۳-۶۷	۵۴
۶. پاراگراف‌های ۶۸-۸۰	۶۸
۷. پاراگراف‌های ۱۰۴-۸۱	۷۸
۸. پاراگراف‌های ۱۰۵-۱۲۶	۸۸
۹. پاراگراف‌های ۱۲۷-۱۳۸	۱۰۱
۱۰. پاراگراف‌های ۱۴۹-۱۳۹	۱۱۳
۱۱. پاراگراف‌های ۱۵۰-۱۶۱	۱۲۵
۱۲. پاراگراف‌های ۱۶۲-۱۷۶	۱۳۷
۱۳. پاراگراف‌های ۱۷۷-۱۹۲	۱۴۸
۱۴. پاراگراف‌های ۹۳-۲۱۲	۱۶۱

۱۷۲	۲۳۵-۲۱۳	پاراگراف‌های	۱۵.
۱۸۴	۲۴۶-۲۳۶	پاراگراف‌های	۱۶.
۱۹۵	۲۶۶-۲۴۷	پاراگراف‌های	۱۷.
۲۰۸	۲۸۶-۲۶۷	پاراگراف‌های	۱۸.
۲۱۶	۳۵-۲۸۷	پاراگراف‌های	۱۹.
۲۲۹	۳۲۷-۳۰۶	پاراگراف‌های	۲۰.
۲۴۱	۳۴۶-۳۲۸	پاراگراف‌های	۲۱.
۲۵۰	۳۶۵-۳۴۷	پاراگراف‌های	۲۲.
۲۶۱	۳۸۰-۳۶۶	پاراگراف‌های	۲۳.
۲۷۴	۴۰۱-۳۸۱	پاراگراف‌های	۲۴.
۲۸۷	۴۲۹-۴۰۲	پاراگراف‌های	۲۵.

آیون، کنکاشی در خویش شرحی بر کتاب آیون یونگ

یونگ، روان‌شناس سوئیسی که در اواخر قرون نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌زیست، از بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم و از کسانی بود که بر سیر اندیشه در زمانه ما اثر گذاشت. دانش ژرف و گسترده و نیز بعضی بصیرت‌های شهودی او به وی امکان داد تا دین و فرهنگ و اسطوره و قصه‌های پریان و متون کیمیاگری سراسر عالم را بکاود و او را قادر ساخت تا چهارگوشه عالم را در ساختاری منتظم به یکدیگر ببیوندد.

- نظام روان‌شناسی ابداعی او تا حد زیادی یک روان‌شناسی روحانی است و آن را از روان‌شناسی باب‌روز که سفت‌وسخت به یک نگرش مکانیستی چسبیده بود، متمایز می‌کند.

- معروف‌ترین ایده‌ای که یونگ مطرح کرد این بود که تجربه روحانی دارای ارزش روانی است، اما دراماتیک‌ترین سهم او در تحول اندیشه سایکودینامیک^۱ این بود که مفهوم ضمیر ناآگاه یعنی بخش‌هایی از ذهن و شخصیت که خود شخص از آن بی‌خبر است را مطرح کرد و این مفهومی است که در سطح وسیع‌تر، می‌توان آن را به عنوان ساختارهای ذهن ناآگاه که بین همه مردم مشترک است، یا همچون الگوها و واکنش‌های ذهنی‌ای که در همه جهان به صورت مشابهی ابراز می‌شود در نظر گرفت.

در روان‌شناسی هیچ موضوعی بحث‌انگیزتر از ایده یونگ در مورد؛ ناآگاه جمعی

۱. psychodynamic. تمرکز بر فرایندهای ناآگاه به صورتی که در رفتار جاری بیمار متجلی می‌شود. هدف این است که بیمار به خودآگاهی دست یابد و تأثیر گذشته‌ها را بر رفتار امروزی خود دریابد. (م).

۸ / شرحی بر کتاب آیون

وجود ندارد. این ایده پیشنهاد می‌کند که همه افراد بشر یک قلمرو روانی مشترک دارند که غرایز و خاطرات در آن 'جا گرفته‌اند'. یونگ به این ایده علاقه‌مند شد که در اسطوره‌ها و فرهنگ همه اقوام و مردمان، بعضی مضامین مشترک وجود دارد. این امر این ایده او را در مورد ناخودآگاه جمعی که یکی از مضامین اصلی و مرکزی تعلیمات اوست، به بار آورد.

- یونگ به این ایده علاقه‌مند شد که در اسطوره‌ها و فرهنگ همه اقوام و مردمان، بعضی مضامین مشترک وجود دارد. این امر این ایده او را در مورد ناخودآگاه جمعی که یکی از مضامین اصلی و مرکزی تعلیمات اوست، به بار آورد.

- یونگ باور داشت که هدف از زندگی این است که نیروهای فردی بالقوه خود را بازشناسیم و متحقق کنیم. او این جریان را پرورش کامل استعدادهای خود^۱ نامید. به باور او چهار عملکرد (تفکر، احساس، ادراک حسانی و شهود) وجود دارند که شیوه نگرش و اقدام مردم را کنترل می‌کند. هدف روان‌شناسی یونگی این است که به خویش یا کلیت روان و توازنی که به بار می‌آورد دست یافته شود.

- یونگ متوجه شد که آنچه رویاها را برمی‌انگیزد، گرایشی طبیعی است برای اینکه مشکلات ذهنی و عاطفی جاری شخص را که ناتمام و حل نشده باقی مانده‌اند حل کند و به پایان برساند.

- به نظر یونگ، شخصیت به صورت آرکتایپ‌ها یا الگوهای عمومی اندیشه و رفتار ظاهر می‌شود که بر آنچه توجه و تمرکز می‌کنیم و چگونگی تعامل با جهان اثر می‌گذارند. نظریه یونگ در مورد شخصیت، بر کنش و واکنش 'بین ذهن آگاه و ناآگاه، آرکتایپ‌های همه‌شمول، فرایند تفرد و تیپ‌شناسی شخصیتی تمرکز دارد. در نظر یونگ، آرکتایپ‌های اصلی عبارتند از: پرسونا، سایه، آنیما، آنیموس و خویش.

- او احساس کرد که شخصیتش به دو کاراکتر تقسیم شده که آن‌ها را "شخصیت شماره ۱" و "شخصیت شماره ۲" نامید. شخصیت شماره ۱ با عالم روزمره بیرون سروکار داشت. این جنبه یونگ، جاه‌طلب و تحلیلگر بود و از یک نقطه نظر علمی به جهان

1. self-realization.

شرحی بر کتاب آیون / ۹

می‌نگریست. شخصیت شماره ۲، خُفیه‌کار و مرموز بود و گرایش داشت که به شیوه‌ای شهودی به جهان بنگرد.

- او همچنین پیشنهاد کرد که دو شیوه رویکرد به زندگی وجود دارد که آن‌ها را درون‌گرایی و برون‌گرایی نامید. در درون‌گرایی، حرکت انرژی به‌سوی عالم درون جریان دارد و در برون‌گرایی، علاقه فرد متوجه جهان بیرون است. در یک مورد، سوژه (واقعیت درونی) و در مورد دیگر، اُبژه (چیزها و سایر مردم، واقعیت بیرونی) از بیشترین اهمیت برخوردار است. این ایده‌ها را مهم‌ترین سهمی می‌دانند که یونگ در حوزه روان‌شناسی شخصیت مطرح کرده است.

- از نظر یونگ، خویش (Self) یک کیفیت متعالی یا الهی است. او تحت عنوان "انگاره آرمانی خدا"، به خویش یا صورت خیالی خدا در روان انسان ارجاع می‌کند. یونگ با وام‌گیری از کتاب رودولف اُتو به نام "مفهوم امر قدسی"^۳ این اصل را مطرح کرد که خویش، از یک کیفیت الهی^۳ برخوردار است. Numen یک قدرت یا انرژی الهی است.

- اکثر پژوهشگران کاتولیک معتقدند که عقاید یونگ با مبانی کاتولیسیسم ناسازگار و آشتی‌ناپذیرند و هشدار داده‌اند که هم‌سطح و هم‌تراز دانستن دین و روان‌شناسی، دین را به موضوع نامربوطی تبدیل می‌کند. اما ریشه عمیق‌ترین اعتقادات یونگ، علی‌رغم نظرات گاهی غیرارتدکسی که در پاسخگویی به مسئله شر و مفهومی از خدا با مسیحیت پیوسته است.

- انتقادی که بر یونگ وارد می‌کنند این است که نظرات او گرفتار تعصب فرهنگی

۱. Imago die، اصطلاحی است که برای تمایزگذاری بین واقعیت عینی یک شخص یا یک چیز، و دریافت ذهنی اهمیت آن شخص یا آن چیز به کار می‌رود. همچنین ر.ک. داریل شارپ، فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات روان‌شناسی یونگی، ترجمه مهدی سررشته‌داری، انتشاران مهراندیش، تهران، ... تاریخ. (م).

۲. The Idea of the Golly، این کتاب به ترجمه و توضیح دکتر همایون صنعتی، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، انتشاران نقش جهان، ۱۳۸۰، منتشر شده است (م).

۳. Numinus، به معنای هیبت‌انگیز، نشانه حضور الوهیت، برای توصیف اشخاص، اشیاء یا وضعیت‌هایی به کار می‌رود که از طنین عاطفی عمیقی که از نظر روانی با تجربه کردن خویش همراه است، برخوردارند. ریشه واژه مینوی (numinous) و نیز واژه numinosity، واژه یونانی numinosum است که یک کارگزار یا تأثیر مستقل از اراده آگاه را در نظر دارد. همچنین ر.ک. داریل شارپ، فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات روان‌شناسی یونگی، پیشین. (م).

است یک نظریه اروپامرکز و زمینه تاریخی اروپایی را بازتاب می‌دهد. همه‌شمولی آرکتایپ‌ها و نمادها که سنگ بنای روان‌شناسی یونگی هستند از این نظر که در فرهنگ‌های مختلف، مناسبت یا دلالت یکسانی ندارند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

یونگ و مکتب روان‌شناسی خاص او هنوز در ایران به اندازه کافی شناخته نیستند. یکی از دلایل این امر 'مشکل بودن درک و فهم و حتی خوانش کتاب‌هایی است که او نوشته است. به‌عنوان مثال، پس از آنکه دچار بیماری سختی شد تصمیم گرفت که اندیشه‌های خود را آن‌چنان‌که خود می‌پسندید و بدون توجه به سطح فرهیختگی خوانندگانش مطرح کند. یکی از فرآورده‌های این‌گونه تفکر او، کتاب آیون است که درک و فهم مطالب آن به این سبب که پهنه وسیعی از دین و فرهنگ و مناسک و تاریخ بشری را در بر می‌گیرد و آن‌ها را در یک کل منسجم به یکدیگر می‌پیوندد، کار بسیار مشکلی است و از این‌رو، یکی از صاحب‌نظران مکتب روان‌شناسی یونگی، ادوارد ادینجر، در سال ۱۹۹۶ طی سخنرانی در یک سمینار به شرح و توضیح آن پرداخت.

طبیعی است که بررسی و مطالعه ژرفِ آرا و عقاید یونگ مستلزم مطالعه آثار اصلی اوست که در حدود ۲۵ جلد گردآوری شده است و آخرین مجلد آن تحت عنوان کتاب سرخ انتشار یافته است. ترجمه این آثار همت و تعهد و پشتیبانی می‌طلبد که همیشه هم در همه‌جا فراهم نیست و با وجود این 'مترجمان متعددی به این کار همت گماشته‌اند. در این میان، تعدادی از آثار اصلی او از جمله آیون، روان‌شناسی و کیمیاگری، راز پیوند، خاطرات، رؤیاها، اندیشه‌ها و... به همت خانم پروین و آقای فریدون فرامرز به فارسی ترجمه شده و مترجمان دیگر هم به این کار همت گماشته‌اند که خود غنیمتی است و من در ترجمه این کتاب، از آیون به ترجمه خانم فرامرز بهره بردم. ضمن تشکر از ایشان و قدردانی از زحماتی که در این زمینه متحمل شده‌اند، آرزوی موفقیت بیشتر برای ایشان و بهره‌وری افزون‌تر خوانندگان آثار یونگ را دارم.

مهدی سرشته‌داری

پیشگفتار ویراستار انگلیسی

تعداد اندکی از کتاب‌خوان‌ها، کتاب آیون یونگ را به قصد مطالعه برگرفته‌اند و از پا درآمده و مستغرق در سیل مطالبی منقول از نویسندگان کلاسیک، مسیحی، گنوسی و کیمیاگر که در آن جاری است، آن را از دست نهاده‌اند. مرتبط کردن مطالب فوق با یکدیگر و دنبال کردن رشته فکر یونگ کار آسانی نیست و خواننده این اثر یونگ (آیون) نیز کمک چندانی^۱ هم برای گذر از این وادی دریافت نکرده است. به رغم اهمیت موضوع کتاب آیون - دگرگونی تصویر خدا طی دو هزار سال دوره مسیحیت - و مناسبت آن با هزاره جاری که به پایان می‌آید، این کتاب خوانندگان چندانی نداشته است.

بالاخره در سال‌های ۸۹-۱۹۸۸ ادوارد اِدینجر برای فهم و درک کتاب آیون، سمیناری به صورت سخنرانی برگزار کرد. مستمعین که تعداد زیادی از آن‌ها روان‌شناسانی بودند که در زمینه روان‌شناسی اعماق تعلیم می‌دیدند و چند نفری هم از روان‌کاوان علاقه‌مند، در سالن کوچک انستیتوی یونگ در شهر لس آنجلس گرد آمدند.

آتمسفری جدی بر لایه‌ای از هیجان می‌لغزید. حاضران از دکتر اِدینجر پرسش‌هایی پرسیدند و صحبت‌هایی ردوبدل شد، اما اکثر حاضران مشتاقانه در انتظار روشن شدن مطالب یکی از مشکل‌ترین کتاب‌های یونگ، سکوت کرده بودند. کتاب حاضر براساس متن مکتوب و ویراست‌شده سخنرانی فوق فراهم آورده شده است.

حاصل سخنرانی فوق متنی است که دو سطح متمایز را در بر می‌گیرد. در ابتدا دکتر اِدینجر خواننده را فصل به فصل در کتاب آیون پیش می‌برد، ارجاعات مشکل آن را توضیح می‌دهد، در آنچه یونگ از منابع خود نقل می‌کند به بحث می‌پردازد و آن‌ها را گسترش می‌دهد، پس زمینه آن‌ها را مشخص می‌کند و نمونه‌های بیشتری از آن‌ها ارائه می‌نماید.

خواننده کتاب متوجه خواهد شد که کتاب حاضر سطح دیگری نیز دارد. دکتر اِدینجر بسیاری از نمونه‌های مثال‌هایی را که ارائه می‌کند از جلسات روان‌کاوی بیماران خود برگرفته و

۱۲ / شرحی بر کتاب آیون

خواننده گاه‌به‌گاه احساس می‌کند که در محضر یک استادِ روان‌کاوی که به نوآموزان خود درس می‌دهد و درموردِ ماهیت و کارورزیِ روان‌کاویِ اعماق، به نکات بدیع متعددی اشاره می‌کند، نشسته است.

دیاگرام‌هایی که در سخنرانی اصلی برای روشن کردن مطالب آورده شده بود به این کتاب ضمیمه شده است. این دیاگرام‌ها را تورنتون لَد بازسازی کرده و به‌صورت حرفه‌ای درآورده است. از او سپاسگزارم.

دبورا اِ. وِسلِی

لس آنجلس

یادداشت نویسنده

به حقیقت می‌توان گفت که آیون، بخش کاملاً جدیدی از دانش بشری، یعنی نظم پژوهشی دقیقی را پی افکند که می‌توان آن را تاریخ روان آرکتایپی^۱ نامید. کاربست درون‌بینی‌های روان‌شناسی اعماق در مورد داده‌های تاریخ فرهنگ، اساس این نظم جدید را تشکیل می‌دهد. این فرایند تاریخی را اکنون می‌توان همچون خودافشایی^۲ آرکتایپ‌های ضمیر ناخودآگاه جمعی، در همان حال که از طریق اقدامات و فانتزی‌های بشریت در ظرف زمان و مکان ظاهر و متحول می‌شوند، مورد نظر قرار داد.

یونگ در آیون آرکتایپ تصویر ذهنی خدا^۳ (خویش)^۴ را به عنوان موضوع پژوهش خود برگزید و نشان داد که این تصویر ذهنی چگونه خود را در طول دوره آیون مسیحیت به تدریج بازنموده است. کتاب آیون اثر حیرت‌انگیزی است که فهم آن کوشش زیادی را از جانب خواننده می‌طلبد. کتاب حاضر کوششی است برای اینکه این مشکل را تخفیف دهد و آیون را دسترس‌پذیرتر کند.

از خانم دبورا ولزلی به خاطر مهارت و تعهدی که در ویراست این دستمایه مشکل به خرج دادند صمیمانه سپاسگزارم.

ادوارد اف. اِدینجر

لس آنجلس

۱. Archetype، عناصر بنیادین و ساختاری روان انسان. همچنین ر. ک. داریل شارپ، فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات روان‌شناسی یونگی، ترجمه مهدی سررشته‌داری، انتشارات مهراندیش، تهران، ۱۴۰۱. (م.)

2. Self-manifestation.

۳. همچنین ر. ک. کلشی هالک الا وجهه، قرآن، سوره ۲۸: القصص، آیه ۸۸. (م.)

۴. Self، آرکتایپ تمامیت و مرکز تنظیم‌کننده روان؛ یک قدرت فراشخصی که از ایگو متعالی‌تر است. برای آگاهی کامل تر ر. ک. داریل شارپ، فرهنگ اصطلاحات ...، پیشین. (م.)



آیونِ خدای میتراپی (رُمی، قرن دوم - سوم)

پیشگفتار

کتاب آیون، پژوهش‌هایی در پدیدارشناسی خویش، مندرج در بخش دوم از جلد پنجم مجموعه آثار یونگ، یکی از آخرین پروژه‌های یونگ است که وقتی او هفتادوشش سال داشت به چاپ رسید.

در آغاز باید این نکته را تصدیق کرد که آثار آخرین یونگ نوشته‌های بسیار مشکلی هستند. یونگ پس از آنکه در سال ۱۹۴۴ بیمار شد، به اصطلاح از نو زاده شد و تصمیم گرفت تا یافته‌هایش را به شیوه دلخواه خود بنویسد. از این رو خوانندگان آثار او، هر میزانی از دانش هم که می‌داشتند، می‌بایست آنجا که او می‌خواست به او بپیوندند و این امر بار عظیمی بر دوش خوانندگان این آثار متأخر او نهاده بود.

قصد من این است که با بسط و توضیح پس‌زمینه تاریخی مطالبی که یونگ مطرح می‌کند و با نشان دادن این نکته که خویش چگونه خود را از نظر روانی در قالب تجربیات روزمره متجلی می‌کند، آن‌ها را برای خواننده مدرن قابل‌دسترس‌تر کنم.

پیشنهاد می‌کنم که به هنگام مطالعه آیون سه اصل راهنما را در نظر داشته باشید. اول اینکه عظمت یونگ را بازشناسید. پیش از اینکه مطالعه این کتاب را آغاز کنید باید دریابید که آگاهی یونگ بسیار گسترده‌تر از آگاهی خود شما است. اگر او مطلبی را، به وجهی که ضروری نمی‌نماید، به شیوه‌ای مشکل بیان می‌کند، درست این است که در نظر داشته باشید که او می‌داند که چه می‌کند و چیزی می‌داند که شما از آن بی‌خبرید. اگر فرض می‌کنید که از او دانشمندترید و رفتار انتقادآمیزی از خود نشان می‌دهید - اصلاً به خودتان زحمت ندهید؛ این کتاب مال شما نیست. ژرفا و گستره [افکار و آثار] یونگ مطلقاً حیرت‌انگیز است. ما در مقابل او کوتوله‌هایی بیش نیستیم و از این رو، وقتی در مقابل او قرار می‌گیریم احساس حقارت می‌کنیم و خوشمان نمی‌آید. برای مطالعه موفقیت‌آمیز

آثار یونگ باید کوچکی خود را بپذیریم؛ آن وقت است که تعلیم‌پذیر می‌شویم. اصل دوم این است که باید روش یونگ را درک کنیم. یونگ به‌خصوص، در آثار متأخر خود، در مورد روان به‌شیوه‌ای می‌نویسد که من آن را شیوهٔ بازنمودی^۱ می‌نامم و منظور من این است که او در عوض اینکه در مورد امور مسلم، تئوری‌هایی به ما ارائه کند، خود امور مسلم روانی را در مقابل ما می‌گذارد. ما چنان به ادامهٔ زندگی در قالب چهارچوب‌های مفهومی عادت داریم که از مواجهه با امور مسلم خام اجتناب می‌کنیم. و از آنجاکه با آن امور مسلم روانی‌ای که یونگ ارائه می‌کند آشنا نیستیم، این امور 'بیگانه و بی‌ارتباط به نظر می‌رسند. وقتی به تدریج با امور مسلمی که یونگ به ما ارائه می‌کند آشنا می‌شویم، ارتباطات درونی این امور و کل شیوهٔ بازنمودی آن‌ها برای ما آشکار می‌شود. این امر شیوهٔ تفکری به بار می‌آورد که با شیوهٔ تفکر معمول تفاوت دارد؛ ما به تفکر خطی عادت داریم. در این نوع تفکر، بازنمایی امور مسلم روانی به شیوهٔ بزرگ‌نمایی^۲، تحت عنوان "تفکر خوشه‌ای"^۳ وصف می‌شود، به این معنا که شخص یک تصویر مرکزی را برمی‌گیرد و خوشه‌ای از تصاویر مرتبط با آن را جست‌وجو می‌کند.^۴ آشنایی با تفکر خوشه‌ای اهمیت دارد، زیرا این شیوه‌ای است که برای بزرگ‌نمایی و هضم و جذب تصاویر رؤیا به کار می‌رود. اگر کاملاً با این شیوهٔ تفکر راحت نباشیم نخواهیم توانست معنای رؤیاها را دریابیم.

کتاب آیون پس از یکی دو فصل، به مضامین و تصاویر ذهنی روان عینی^۵ می‌پردازد. پیشنهاد می‌کنم که در همان حال که دست‌مایه‌هایی را که در آیون ارائه شده مطالعه می‌کنید از خود پرسید که چه مضمونی ارائه شده است. یونگ روش خود را به نحوی پرداخته است که به ما تفکر مضمونی^۶ را بیاموزد، به نحوی که وقتی یک مضمون یا یک تصویر را

1. Presentational.

۲. Amplification، یک روش تداعی است که براساس مطالعهٔ تطبیقی اسطوره، دین و قصه‌های پیران انجام می‌شود و برای تعبیر تصاویر رؤیاها و نقاشی‌ها به کار می‌رود. برای آگاهی کامل‌تر، ر.ک. داریل شارپ، فرهنگ اصطلاحات ...، پیشین. (م.)

۳. Cluster thinking، نوعی شیوهٔ تفکر است که دیدگاه‌ها و تفکرات مختلف دربارهٔ یک مسئله را جدا کرده، هریک را جداگانه ارزشیابی می‌کند و بعد به نتیجهٔ نهایی می‌رسد. این نوع تفکر در نقطهٔ مقابل «تفکر زنجیره‌ای» [sequel thinking] قرار دارد که عبارت است از توانایی فرد در پردازش ذهنی اطلاعات متعدد و سازمان‌دهی به آن‌ها. (م.)

۴. نمونه‌های دیگر را می‌توان در *Anatomy of Psyche: Alchemical Symbolism in Psychotherapy* یافت. [ر.ک. ادوارد ادینجر، تشریح روان: نمادپردازی کیمیای در روان‌رمانی، ترجمهٔ مهدی سررشته‌داری، انتشارات مهراندیش، تهران، ۱۴۰۱ (م.)]

۵. Objective psyche، در روان‌شناسی تحلیلی نام دیگری است برای ناآگاه جمعی که چون شخصی و از این رو ذهنی نیست، به نام روان عینی خوانده می‌شود. همچنین ر.ک. داریل شارپ، فرهنگ اصطلاحات ...، پیشین. (م.)

۶. Thematic thinking، یک ارتباط [تفکر] مضمونی، عبارت است از یک ارتباط زمانی، مکانی و علی بین چیزهایی

دریافت کردیم، بزرگ‌نمایی آن مضمون یا تصویر^۱ ما را به تصاویر مرتبط با آن و از آنجا به خوشه بزرگ‌تری از تصاویر ببرد. مطالعه آيون می‌تواند به خواننده آن کمک کند تا چگونگی استخراج مضمون و تصویری را که در بدنه این مطالب جا دارد، بیاموزد. این کار در ابتدا آسان نیست، ولی اهمیت دارد، زیرا وقتی رؤیایی را با ما در میان می‌گذارند و نمی‌توانیم محتوای مضمونی آن را تشخیص دهیم، سردرگم می‌شویم. می‌توان تداعی‌های بیمار را از او طلب کرد، ولی بدون تشخیص مضمون رؤیا، حرفی برای گفتن نداریم. وقتی مضمون تشخیص داده شد، می‌توان هم‌ترازهایی برای آن ارائه کرد.

اصل شماره سه، اصلی است که من آن را اصل شیرینی خامه‌ای می‌نامم و منظور من این است که شما باید نوشته‌های یونگ را به همان شیوه‌ای بخوانید که یک شیرینی خامه‌ای را می‌خورید؛ یعنی آن را آهسته و آرام مزه می‌کنید. این نوع خوانش، بسیار پربار و بسیار خوش مزه است زیرا در اینجا غنای خود روان است که بازنموده می‌شود. ولی این نوع خوانش کار بسیار فشرده‌ای نیز هست و به‌خصوص در مورد آيون این‌طور است. یونگ به حیطه وسیعی از ارجاعات نمادین صرفاً اشاره‌ای می‌کند، زیرا نمی‌خواست که کتابی بیش از حد طولانی بنویسد و علاوه بر این به‌قدری با این حیطه‌ها آشنا بود که نقل آن‌ها به‌تمامی، باعث کسالت او می‌شد. او صرفاً به این حیطه‌ها اشاره‌ای می‌کند و هسته‌ها، دانه‌ها و میوه‌هایی دیر هضم را در اختیار ما می‌گذارد که باید آن‌ها را بجویم و هضم کنیم تا بتوانیم قدرشان را بدانیم.

آيون را فقط در قطعات کوچک می‌توان هضم و جذب کرد. یعنی باید آن را جمله‌به‌جمله خواند و با هریک از اصطلاحات آن جمله و ارجاعات آن، آشنا شد. وقتی با چیزهایی که با آن‌ها آشنایی نداریم روبه‌رو می‌شویم، شدیداً وسوسه می‌شویم که از آن‌ها بگذریم و فکر کنیم که جمله بعدی آن را توضیح خواهد داد. این کار در آيون عملی نیست. اگر در متن آيون از مطلبی که با آن آشنایی ندارید بگذرید، به‌زودی در این کتاب گم خواهید شد و از این‌رو از شما می‌خواهم که به هنگام مطالعه آيون^۲ یک فرهنگ لغات و یک دائرةالمعارف در کنار خود داشته باشید و هر بار به چیزی ناآشنا برخوردید به آن‌ها مراجعه کنید. یعنی به فرهنگ لغات یونانی و به گستره‌ای از مطالب تاریخی مراجعه کنید، زیرا بخشی از آيون، خود کتابی است که درباره تاریخ نوشته شده است. درک این نکته به

که نقش‌های مکملی در یک سناریو یا یک رویداد ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال ارتباط مضمونی بین گاوها و شیر، این است گاوها شیر تولید می‌کنند و بادبان و لنگر کشتی از طریق ارتباط مضمونی با یکدیگر مرتبط هستند. (م.)

کار می‌آید که یونگ^۱ چنان در تاریخ فرهنگی بشر بحث می‌کند که گویی تاریخ فرهنگ بشری پیشینه یک بیمار واحد است. او کل سابقه آن بیمار را در چنگ خود دارد، ولی ما چنین نیستیم و از این رو باید در همان حال که در مطالعه آیون پیش می‌رویم، این خلأ مطالعاتی خود را پر کنیم.

من پس از آنکه در سپتامبر سال ۱۹۸۷ رؤیایی دیدم، بر آن شدم تا این کتاب را به شما عرضه کنم:

یونگ درباره کتاب خود، آیون، سخنرانی می‌کند. می‌گوید که در همان حال که مشغول نوشتن این کتاب بود، با انتقادات زیادی درمورد محتوای این کتاب مواجه شد. ولی به نوشتن ادامه داد تا به مفاد "قولنامه"^۱ خود با تاریخ عمل کند.

هرکس که خانه‌ای خریده باشد می‌داند که قولنامه چیست. قولنامه موافقت‌نامه مکتوبی است از نوع یک ضمانت‌نامه یا قباله‌ای است برای انتقال ملک، که در اختیار طرف سوم [یعنی واسطه معامله] قرار می‌گیرد و تا شرایط معینی برآورده نشود، به مفاد این قولنامه عمل نخواهد شد. رؤیای من به ما می‌گوید که کتاب آیون قولنامه‌ای است که یونگ با تاریخ امضا کرده است. یعنی خوانندگان این کتاب که منتقل علیه^۲ یا طرف این قولنامه هستند باید پیش از آنکه این کتاب در اختیار آنان قرار بگیرد، شرایط معینی را برآورده کنند. و ما دریافت‌کنندگان این کتاب هستیم. فکر می‌کنم که این امر بدین معناست که ما برای آنکه این قولنامه تحقق پیدا کند و عملی شود باید مطالب آیون را بفهمیم. آیون بر قفسه کتاب‌ها باقی خواهد ماند مگر، و تا اینکه، دریافت‌کنندگان آن شرایط لازم برای درک و فهم معنای آن را فراهم کنند. ما همگی می‌خواهیم که آیون در دسترس ما قرار بگیرد، به خانه جدیدی که خریده‌ایم نقل مکان کنیم، ولی شرایط تحقق قولنامه این خانه هنوز فراهم نشده است.

یونگ هم درمورد آیون رؤیایی دیده بود. او در نامه‌ای به تاریخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۷۴ خطاب به ویکتور وایت چنین می‌نویسد:

مدتی نه‌چندان طولانی پس از آنکه نامه‌ای برای شما نوشتم، می‌بایست رساله‌ای

1. escrow account.

2. grantee.

پیشگفتار / ۲۱

در مورد مضمونی که نمی دانستم چیست بنویسم. به خاطر رسیدن بعضی نکات ظریف در مورد آنیما، آنیموس و بالاخره در آخر، اما نه از لحاظ اهمیت، به بحث در مورد خویش بپردازم. چندان با این کار موافق نبودم، زیرا می خواستم ذهنم آرامش داشته باشد. اخیراً گرفتار بی خوابی شدید شده ام و می خواستم از تلاش های فکری دوری بجویم. به رغم همه این ها خود را مجبور دیدم که کورکورانه و بدون اینکه متوجه شوم که چه می خواهم بگویم، به نوشتن مشغول شوم. فقط پس از آنکه ۲۵ صفحه نوشته بودم، بر من طالع شد که مسیح - نه مسیح انسانی بلکه موجود الهی - هدف سَری نوشته من بود. و هول کردم، زیرا آن گرز را مطلقاً به خوردن این پهلوان که من باشم نمی دیدم. رؤیایی به من گفت که قایق ماهیگیری کوچک من غرق شده است و غولی (که او را از رؤیایی که حدود ۳۰ سال پیش دیده بودم می شناختم) قایق دریایم را زیبایی که دوبرابر قایق قدیمی ام بود برایم فراهم آورده است. آنگاه دانستم که اصرار بی فایده است. می بایست کار را ادامه دهم. ادامه نوشته ام مرا به آرکتایپ خدا - انسان، به پدیده سینکرونیستی ای که به این آرکتایپ متصل است، راه بُرد. چنین بود که به بحث در باب *ichthys*^۱ و آنگاه به آیون جدید حوت^۲، ... پیشگویی ظهور دجال^۳ و تحولات آن در عرفان و کیمیاگری از سال ۱۰۰۰ تا به تحولات اخیر آن که آیون مسیحی را به کلی به سرنگونی تهدید می کند، رسیدم.^۴

یونگ در گفت و گویی خصوصی با خانم مارگارت اوسترووسکی - ساکس که این گفت و گو را ثبت کرده است بار دیگری در مورد آیون اظهار نظر می کند:

پیش از آنکه [در سال ۱۹۴۴] بیمار شوم اغلب از خود می پرسیدم که آیا مجاز هستم که دانش سَری خود را به چاپ برسانم و یا حتی از آن سخن بگویم؟ بعداً [همه دانش سَری خود] را در آیون جا دادم. دریافتیم که وظیفه دارم که این اندیشه ها را منتقل کنم و باین وجود تردید داشتم که آیا باید آن ها را بیان هم بکنم. طی دوره بیماری ام تأیید این کار را دریافت کردم و اکنون می دانم که همه چیز معنا داشت و به کمال بود.^۵

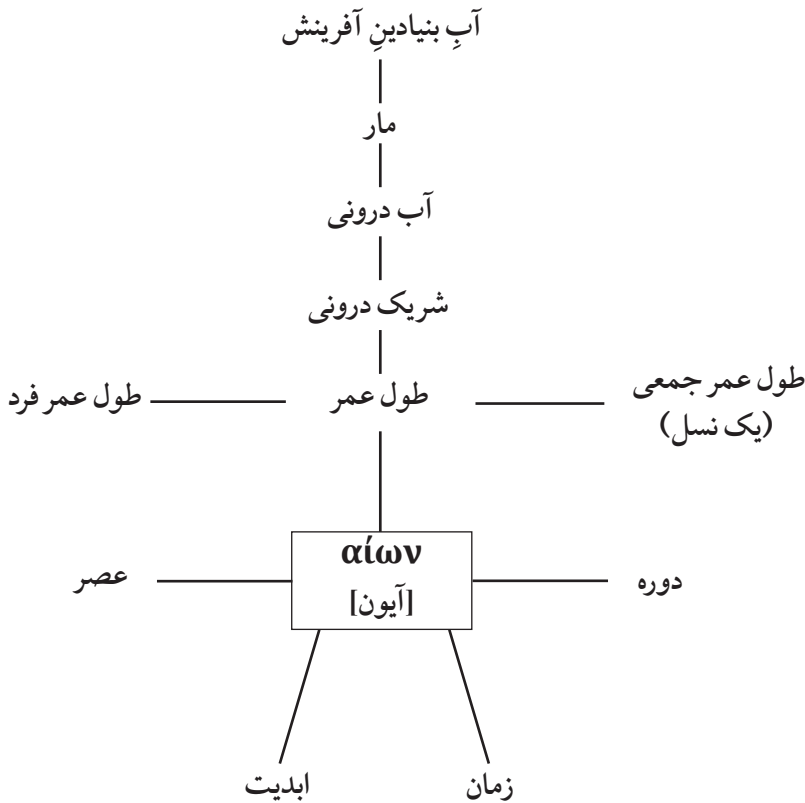
۱. نمادی است مرکب از دو نیم کمان متقاطع که انتهای هر کمان پس از نقطه تقاطع در قسمت پشت ادامه می یابد و شکل ماهی را به ذهن متبادر می کند. نماد فوق نزد مسیحیان اولیه نمادی سَری محسوب می شد. (م).

2. Pisces.

3. Antichrist.

4. Letters, vol., pp. 479ff.

5. From *Conversations with C.G. Jung*, p. 68.



شکل ۱. خوشه "آیون"
ایده‌ها و تصاویر عمده‌ی مربوط به واژه یونانی آیون (αἰών)
به صورتی که طی قرون مورد استفاده بوده است.

مقدمه

عنوان آیون به یک تصویرِ نمادینِ بسیار پیچیده که طی قرونِ دگرگونی پیدا کرده و از یک مجموعهٔ معناییِ بسیار غنی برخوردار است ارجاع دارد. واژه‌ها، همگی، یک ارگانیسم روانی هستند؛ هریک در هستهٔ خود حاوی یک تجربهٔ بنیادینِ انسانی است و تصویری از آن تجربه، در تبارشناسیِ آن واژه نقش بسته است. وقتی شیوه‌های دگرگون شدن آن واژه را پی می‌گیریم، کل یک ارگانیسم^۱ خود را می‌نمایاند. [در این زمینه] واژهٔ آیون یک نمونه‌مثالِ بخصوصِ پربار است.

یونانیان باستان "زمان" را با سه واژهٔ مختلف بیان می‌کردند: کروئوس^۱، کایروس^۲ و آیون^۳. کروئوس به زمان کمی، به زمان خطی، ارجاع دارد؛ یک اصطلاح علمی است. کایروس به لحظهٔ خاص، به محتوای یک زمان بخصوص ارجاع داشت؛ زمانِ صحیح و زمانِ تحقق و کامیابی می‌بود؛ به‌عنوان مثال مسیح می‌گوید «زمان من [کایروس] هنوز فرا نرسیده است.» اصطلاح سوم یعنی آیون، پراکنده‌تر و مبهم‌تر است، ولی مدت‌های مدید به معنای چیزی مانند یک عصر یا حتی ابدیت و تا ابد، درک شده است. واژهٔ آیون با سایر واژه‌های یونانی که باید به آن‌ها هم اشاره کرد مرتبط بوده است - آیونیوس^۴ به معنای بی‌آغاز و بی‌پایان، ابدی یا تا ابد؛ و آیدوس^۵ به معنای ابدی. واژهٔ آیون ریشهٔ این هر دو واژه است.

سابقهٔ استفاده از واژهٔ آیون به هومر^۶ می‌رسد که در آثار او معادل با روان، نفس^۷ یا

-
1. Chronos.
 2. Kairos.
 3. Aion.
 4. Aionios.
 5. Aidios.
 6. Homer.
 7. Soul.

زندگی به کار رفته است. این واژه در آثار هزیود^۱ حاکی از طول عمر است؛ در نوشته‌های آخیلوس^۲ به یک نسل ارجاع می‌کند به نحوی که این واژه می‌تواند به معنای طول عمر یک شخص و یا مدتی که زندگی خواهد کرد باشد. می‌تواند با گذشته، همچنان که به آینده، مربوط باشد و به گونه‌ای که فیلسوفان آن را به کار برده‌اند، به آینده دور یا ابدیت ارجاع می‌کند. در ایلیاد^۳ هومر، هرا^۴ در سخن از مرگ یک جنگاور، به زنوس^۵ می‌گوید: «پس از آنکه روان و آیون او ترکش گفتند، آنگاه مرگ را بفرست تا او را با خود ببرد.»^۵ در اینجا واژه آیون به معنای طول عمر، یک واقعیت مجزا، و گونه‌ای شریک درونی است که با نفس همسانی خاصی دارد. هومر در جای دیگر آیون را با یک آب درونی که به صورت اشک به هرز می‌رود یکسان دانسته است. به عنوان مثال وقتی اودیوس در آرزوی بازگشت به خانه می‌گیرد، هومر می‌گوید «اشک هرگز چشمانش را خشک نمی‌گذاشت و زندگی‌اش [آیونش] فرومی‌کاهید، در همان حال که افسوس خوران، بازگشت به خانومانش را آرزو می‌کرد.»^۶ در اینجا تصور این است که آیون نوعی آب درونی است و مقدار آن محدود است. وقتی تمام شد، شخص می‌میرد.

در آگاممنون، نوشته آخیلوس، آیون آشکارا به معنای یک شریک زندگی است؛ منبع الهامات شاعر است. گروه هم‌سرایان سال‌خورد، ندا در می‌دهد «آیون که همراه با من بالیده است، الهامی [است] از سوی خدایان، باور را در من می‌دمد، نیروی آواز خواندن را.»^۷ نویسنده می‌گوید که «آیون درونی من، به من الهام بخشید تا شاعر باشم و شعرم را ندا دردهم.» در جای دیگر در نوشته‌های آخیلوس واژه آیون به معنای نسل آمده است: «داستان گناهی که روایت می‌کنم، داستانی است قدیمی / لیکن عقوبتی زودرس دارد: / به آیون سوم پایدار می‌ماند.»^۸ یعنی به نسل سوم؛ گناه از یک نسل به نسل دیگر منتقل شده است. افلاطون در تیمائوس در باب آفرینش عالم چنین می‌گوید:

«حال این موجود ایدئال ماهیتی پایدار داشت، اما ممکن نبود که این صفت را به طور

1. Hesiod.

2. Aeschylus.

3. Hera.

4. Zeus.

5. Illiad, Book 16, line 423.

6. The Odyssey, V, lines 151-153.

7. Line 105, modified.

8. Seven Against Thebes, lines 742-744.

کامل به مخلوقی اعطا کند. لذا او [جهان‌آفرین] بر آن شد که تصویری متحرک از آیون بیافریند ... و ما آن تصویر را کروئوس می‌نامیم.^۱

به عبارت دیگر او عزم کرد که تصویر متحرکی از ابدیت را در نظر بگیرد، و ما به این تصویر زمان می‌گوییم. پلوتینوس نهایتاً این ایده را که زمان^۱ تصویر متحرک ابدیت است با ظرافت و سامان بیشتری در قطعه زیر بیان کرد:

اگر ابدیت [آیون] همانا زندگی در حال سکون، تغییرناپذیر و یکسان و بیکران باشد و زمان می‌بایست همچون تصویر ابدیت وجود داشته باشد ... آنگاه باید گفت که زندگی پست‌تر دیگری [هم‌پسته و مطابق با زندگی برتر وجود دارد. این زندگی پست‌تر در عوض اینکه از وحدتی بی‌فاصله و بدون گسستگی برخوردار باشد،] وحدتی مبتنی بر تداوم دارد؛ و در عوض اینکه یک کل کامل بیکران، یک تتابع مستمر بیکران، باشد و در عوض اینکه یک کل واحد باشد، کلی است که همیشه بخش به بخش به وجود می‌آید.^۲

اینکه ابدیت، یا آیون، تصویر تمامیتی است بیرون از زمان، درحالی که زمان تصویری است از همان تمامیت که در یک پیامد زمانی گسترده شده باشد، یک مفهوم روان‌شناختی ژرف است. این امر دقیقاً با اظهارنظر یونگ در کتاب راز پیوند که می‌گوید: «این دو رویداد پی‌درپی، پیش‌درآمد تحمل و معرفت عمیق‌تر نسبت به رویدادهای پهلوه‌پهلوست»^۳، انطباق پیدا می‌کند.

تصور می‌کردند که آیون یک آب درونی است و همچنین فکر می‌کردند که پس از مرگ فرد، این آب درونی به صورت یک مار، بدن متوفی را ترک می‌کند؛ تصور بر این بود که این مار نفس شخص متوفی است و شاید در قبر او سکنی می‌گیرد. همه این ارتباطات در شکل آمده است که یک دیپاگرام خوشه‌ای است و ارجاعات اصلی به آیون را نشان می‌دهد.

۱. مجموعه آثار افلاطون به همت محمدحسن لطفی، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۰، منتشر شده است. ج. سوم، ص. ۱۷۳۲. با قدردانی کامل از زحمات مترجم کلیات آثار افلاطون، در این مورد خاص ترجیح دادم که آنچه را نویسنده کتاب نقل کرده است، ترجمه کنم. (م.)

2. *Enneads*, III, 7, 11.

۳. یونگ، راز پیوند، ترجمه پروین فرامرزی و فریدون فرامرزی، چاپ دوم، پاراگراف ۲۰۶، ص. ۱۵۷، به نشر، مشهد، ۱۳۹۰ - (م.)

این اندام روانی‌ای که آیون نامیده می‌شود از بسیاری قطعات کتاب مقدس نیز سر بر آورده است. تورات در قرن سوم پیش از میلاد به یونانی ترجمه شد و واژه آیون در آن به چشم می‌خورد. یهوه در کنعان به ابراهیم می‌گوید: «زیرا تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریت تو تا به ابد [آیون] خواهم بخشید.» (سفر پیدایش، ASV ۱۳:۱۵) «فریضه ابدی» را به طور معمول به «برای همیشه» ترجمه کرده‌اند. یهوه در مورد جشن عید فصح به موسی می‌گوید: «و این امر را برای خود و سران خود به فریضه ابدی نگاه دارید.» (سفر مهاجرت JB ۱۲:۲۴). که در زبان انگلیسی آن را به «برای همیشه» ترجمه کرده‌اند، ولی همین طور که می‌بینید دقیقاً این معنا را ندارد. برای انسان غربی متأخر این معنا را داشته، اما در آغاز دقیقاً به این معنا نبوده است.

در کتاب عهد جدید به موارد استفاده جالبی از این واژه بر می‌خوریم. به عنوان مثال: «و هر که برخلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود، اما کسی که برخلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده هرگز آمرزیده نخواهد شد.» (متا، ۱۲:۳۲) ASV. این جمله معمولاً به صورت «در این عصر یا در عصر آینده» ترجمه شده است. و باز می‌گوید: «پس همچنان که کوکاس‌ها را جمع کرده در آتش‌ها می‌سوزانند، همان طور در عاقبت این آیون خواهد شد.» (متا، ASV ۱۳:۴۰).

از رساله به عبرانیان ۱۱:۳ «به ایمان فهمیده‌ایم که آیون‌ها به کلمه خدا مرتب گردیده، حتی چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد. [آیون‌ها به دنیاها ترجمه شده]» (ASV). دعای سرور چنین پایان می‌یابد: «زیرا ملکوت و قوت و جلال، تا ابدالآباد [آیون] از آن تو است؛ آمین.» (متا، ASV ۱۳:۶).

در متنی از نوع دیگر، کتیبه سنگی بولینگن^۱ که به زبان یونانی حکاکی شده، به

۱. Bollingen Stone، یونگ برج بولینگن را که ظاهراً قلعه‌ای است با چهار برج، در روستای بولینگن واقع در حوزه سفلی دریایچه زوریخ بنا کرد. در این بنا سنگی وجود دارد که نوشته‌هایی بر آن حک شده که تاریخ آن به سال ۱۹۵۰ می‌رسد. پیکره مرکزی این سنگ مدور، Homunculus-Mercurius-Telesphorus. کلاهی باشلق‌دار بر سر و فانوسی در دست دارد. او در میان یک ماندالای چهارگانه که دلالت کیمیای دارد قرار گرفته است که ربع بالایی آن به ساتورنوس، ربع پایینی به مارس؛ ربع طرف چپ به خورشید-ژوپیتتر ("male") Sol-Jupiter ("هنرین") و ربع طرف راست به ماه - ونوس ("مادینه") Luna-Venus ("female") اختصاص یافته است. ترجمه نوشته یونانی سنگ بولینگن حدوداً به قرار زیر است: «آیون (زمان، ابدیت، اعصار متمدنی) کودکی است در حال بازی، و قمار می‌کند؛ قلمرو کودک ... Telesphorus Accomplisher مکان‌های تاریک عالم را مانند ستاره‌ای که از اعماق برق می‌زند، طی می‌کند و به سوی دروازه‌های خورشید و سرزمین رؤیاها راه می‌نماید.» زمان کودکی است در حال بازی، و قمار می‌کند؛ کودک خویشاوندی است، بخشی است که به هراکلیت اختصاص یافته؛ به سوی دروازه‌های خورشید و سرزمین رؤیاها، نقل قولی است از اودیسه که به هرمس، پمپ روانی، ارجاع دارد که ارواح خواستگاران را دور می‌کند. (م.)

شیوه معمول به زبان انگلیسی ترجمه شده است: «زمان، کودکی است - چون کودک بازی می کند - [بر] نطع [بازی می کند] - قلمرو کودک»^۱ در ترجمه به زبان آلمانی، یونگ کلمه [آلمانی] Zeit را، که در زبان انگلیسی به معنای "زمان" است، پیشنهاد کرد، ولی آن کلمه یونانی که سنگ نوشته یونگ با آن آغاز می شود، کلمه آیون است. از این رو ترجمه عبارت فوق چنین خوانده می شود: «آیون کودکی است که [بر] نطع [بازی می کند]». کلمه زمان ترجمه درستی نیست؛ احتمالاً بهتر است بگوییم «عصر یا آیون، کودکی است که بر نطع، بازی می کند».

در مرحله متأخرِ درهم آمیزی ادیان،^۲ همان طور که در کتاب آیون یونگ (و پیش از این در تصویر ۱) نشان داده شده، آیون به نام الوهیت تبدیل می شود. و فرانتس کومونت در وصف این به اصطلاح آیون، یا خدای میتراپی، چنین می گوید:

[در یزدان شناسی میتراپی،] بر تارک سلسله مراتب الهی ... زمان بیکران قرار داشت. گاهی به او آیون می گفتند. ... او را شبیه به یک انسان غول آسا که سر شیر و بدنی داشت که ماری به دور آن پیچیده بود، باز می نمودند. تعدد صفات مقام او، با ماهیت چندین گانه کاراکتر وی هم خوانی دارد. او گرز مرصع و چوب دست حاکمیت الهی^۳ را حمل می کند و همچون حکمران بهشت که درهای آن را می گشاید، در هر دست خود کلیدی دارد. بالهایش نماد سرعت پرواز اوست. خزنده ای که انحنایش به دور او پیچیده است، نمونه ای است از مسیر پر عذاب خورشید در دایره البروج؛^۴ صور فلکی دایره البروج که در کنار علائم فصول^۵ بر بدن او حک شده است، به این منظور در نظر گرفته شده که باز نمود پدیده های آسمانی و زمینی ای باشند که گذر ابدی سال ها را علامت می دهند. او همه چیز را می آفریند و ویران می کند؛ او سرور و ارباب چهار عنصر است. ... گاهی او را با سرنوشت یکسان دانسته اند.^۵

۱. یونگ، خاطرات، رؤیاها، اندیشه ها، ترجمه پروین فرامرزی، به نشر، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۵. (م.)

۲. Syncretism، ترکیب کردن باورهای مختلف و مکاتب فکری متنوع. به هم پیوستن سنت های متعدد اصالتاً مجزا و متمایز از یکدیگر به خصوص در الهیات و اسطوره دینی و از این رو، تأکید بر یک وحدت زیربنایی و فراهم کردن یک رویکرد جامع به ادیان دیگر. (م.)

۳. در مجسمه ای که عکس آن روی جلد کتاب آیون آمده، این چوب دست شکسته است، اما در سایر عکس ها قابل مشاهده است.

۴. Ecliptic، دایره ای بزرگ در فلک آسمانی که باز نمود مسیر مرئی خورشید در طول سال است و به این دلیل چنین نامیده می شود که کسوف و خسوف فقط وقتی که ماه آن را قطع می کند، می تواند اتفاق بیفتد. (م.)

5. Franz Cumont, *The Mysteries of Mitra*, pp. 107f.

در اینجا سرنوشت واژه‌ای است برای نشان دادن طول عمر، و اصطلاح دیگری است که به همین خوشه نمادها تعلق دارد. پس آیون به معنای سرنوشت هم هست. آیون با جمع داشتن همه این معانی در خود، به صورت یک موجود الهی جامع درمی‌آید. اندیشه گنوسی که در آن، موجود الهی بیکران اولیه، سلسله‌ای مرکب از سی آیون را از خود صادر می‌کند این ایده آیون را برگرفت. این صدور آیون‌ها در اندیشه گنوسی، بزرگ‌نمایی یا انبساط دیگری است از این ارگانیسم غنی و پیچیده روانی [آیون] که یونگ درباره آن می‌نویسد. هانس یوناس نقشی را که اصطلاح آیون در گنوس ایفا می‌نماید وصف می‌کند:

در بلنداهای نادیدنی و بی‌نام، پیش از وجود، آیون کاملی موجود بود. نام او پیشا - آغاز، پدر پیشین، و هاویه^۱ است. [این موجود اصلی و بنیادین است که آیون نام داشت.] هیچ چیز نمی‌تواند او را درک کند. او در طول ابدیت‌هایی شمارناپذیر، در ژرف‌ترین آرمیدگی‌ها باقی ماند. اندیشه، که برکت و سکوت نیز نامیده می‌شد با او همراه بودند. زمانی، این هاویه اندیشید که آغاز همه چیزها را از خود فراق‌کند و این آغاز را همچون بذری در بطن سکوت، که با او همراه بود، قرار دهد و او [سکوت: مؤنث] بار گرفت و ذهن [نوس:^۲ مذکر] را بزاد، که همانند و هم‌سنگ است با آنکه او را نطفه افکند و تنها اوست که پدر را می‌فهمد و درک می‌کند. او را تنها نطفه افکنده‌شده، پدر، و سرآغاز همه چیز می‌نامند. همراه با او حقیقت (*Aletheia*: مادینه) تولید شد و این، اولین چهارگانی است: هاویه و سکوت، و آنگاه ذهن و حقیقت.^۳

این اولین گروه چهارگانی، از یک جفت متشکل از دو syzygy (به معنای زوج) تشکیل شده است. آیون‌های بعدی از این جفت دوم [syzygy دوم] به وجود آمدند. از این جفت دوم، انسان و کلیسا (که آن‌ها هم یک زوج نر / ماده هستند)، و کلمه و زندگی موجود شد. پس این در کل، چهار جفت (syzygy) ایجاد کرد که آن را هشت‌گانی،^۴ اولین هشت، نامیدند.

1. Abyss.

2. Nous.

3. Hans Jonas, *The Gnostic Religion*, pp. 179f.

4. Ogdoad.

این آیون‌ها برای اینکه به پدر شکوه بخشند تولید شدند؛ با موجود شدن خود، شکوه بخشیدن به پدر را آرزو کردند و صدورهای جدید انجام دادند. از کلمه و زندگی، ده آیون دیگر و از انسان و کلیسا، دوازده [آیون دیگر] صادر شد، آن‌سان که از هشت و ده و دوازده ... سی آیون، مرکب از پانزده جفت، حاصل شد [و این کل را ملکوت^۱ نامیدند].^۲

این تصویر اساسی برای یونگ چیزی کاملاً پایه‌ای بود. او از بعضی از این اصطلاحات از قبیل «ملکوت» استفاده کرد. فصل دوم کتاب آیون اضداد زوج^۳ نام دارد. اگر با این مفاهیم بزرگ گنوسی درمورد اصل و ریشه چیزها آشنا نباشیم، معنای این اصطلاح را در نخواهیم یافت.

1. Pleroma.

2. Hans Jonas, *The Gnostic Religion*, p. 180.

۳. Syzygy، از اصطلاحات ستاره‌شناسی و طالع‌بینی است برای مقارنهٔ سیارات که یونگ اغلب آن را برای آنیما و آنیموس به کار می‌برد تا وحدت اضدادی را نشان دهد که این دویی صورت مثالی درون‌روانی و کُنتراسکسوال، نمایندهٔ آن در فرد هستند و نشان می‌دهند که پیوند در فرایند تفرد، چگونه فرد را به ارتباط آگاهانه‌تری نسبت به تمامیت یا "خویش" هدایت می‌کند [توضیح مترجم فارسی آیون].